

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال سیزدهم، شماره پنجاه و دوم، زمستان ۱۴۰۲
مقاله پژوهشی، صفحات ۹۳-۱۱۰

تأثیر جغرافیای ناحیه جزیره بر سیاست دوگانه آل بویه در برابر حمدانیان (۳۶۷-۳۳۴)

سمیه بیاتی^۱
زینب کریمی^۲

چکیده

جزیره ناحیه‌ای بین دو رود دجله و فرات بود. این ناحیه در زمان تسلط خاندان بویه (حک. ۳۲۲-۴۴۸) بر بغداد در سال ۳۳۴ در اختیار حمدانیان (حک. ۲۹۳-۳۹۴) قرار داشت. معزالدوله پس از تسلط بر بغداد نبردهای متعددی با ناصرالدوله حمدانی انجام داد و سرانجام حمدانیان را به عنوان والیان جزیره پذیرفت. روابط عزالدوله نیز با حمدانیان دوستانه بود اما فارغ از جنگ نبود. نوشتار حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به کتاب‌های دست اول تاریخی و جغرافیایی به دنبال پاسخ به این مسئله است که جغرافیای جزیره چه تأثیری بر ایجاد سیاست دوگانه آل بویه در برابر حمدانیان در سال‌های ۳۳۴ تا ۳۶۷ داشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جغرافیای اقتصادی جزیره موجب شکل‌گیری سیاست خصمانه بین آل بویه و حمدانیان شده بود. جزیره نه تنها تأمین کننده آذوقه، خواروبار و علوفه بغداد بود بلکه مالیات بالایی هم به بغداد ارسال می‌کرد و حمدانیان حاکم بر جزیره در پی اعلام استقلال از بغداد بودند. از نظر جغرافیای سیاسی جزیره دژی مستحکم در برابر امپراتوری روم، حاکمان شام، اخشیدیان و فاطمیان برای ورود به بغداد بود و این ویژگی موجب شکل‌گیری سیاست دوستانه بین آل بویه و حمدانیان می‌شد.

کلیدواژه‌ها: آل بویه، جزیره، حمدانیان، عزالدوله، معزالدوله، ناصرالدوله حمدانی.

۱. مدرس دانشگاه خلیج فارس بوشهر، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول). bayatisomaye@yahoo.com

۲. استادیار گروه معارف دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. Zeinabkarimi24@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۰۲/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۰۲/۱۰/۱۲

The Impact of the Geography of the Jazīra Region on the Dual Policy of the Buyid Dynasty toward the Ḥamdānids (367-334)

Somayeh Bayati¹

Zeynab Karimi²

Abstract

The Jazīra was a region between the Tigris (Dijlah) and Euphrates (Furāt) rivers. During the Buyid dynasty's (322-448) control over Baghdad in 334, this region was under the authority of the Ḥamdānids (293-394). After gaining control of Baghdad, Mu'izz al-Dawla engaged in numerous battles with Nasir al-Dawla Ḥamdāni and ultimately accepted the Ḥamdānids as governors (Wāliyān) of the Jazīra. The relationship between 'Izz al-Dawla and the Ḥamdānids was friendly, but it was not free from conflict. This paper, using a descriptive-analytical method and relying on primary historical and geographical texts, seeks to answer the question: How did the geography of the Jazīra influence the formation of the Buyid dynasty's dual policy toward the Ḥamdānids from 334 to 367? The findings indicate that the economic geography of the Jazīra led to a hostile policy between the Buyids and the Ḥamdānids. The Jazīra not only supplied food, provisions, and fodder to Baghdad but also sent high taxes to Baghdad, while the Ḥamdānids ruling the Jazīra sought independence from Baghdad. From a geopolitical perspective, the Jazīra served as a stronghold against the Roman Empire, the rulers of Sham (Syria), the Ikhshīdīyūns, and the Fāṭimids attempting to enter Baghdad, which facilitated a friendly policy between the Buyids and the Ḥamdānids.

Keywords: Buyid Dynasty, Jazīra, Ḥamdānids, 'Izz al-Dawla, Mu'izz al-Dawla, Nasir al-Dawla Ḥamdāni.

1. University Lecturer, Persian Gulf University, Bushehr, Bushehr, Iran (Corresponding Author). bayatisomaye@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Religious Studies, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. Zeinabkarimi24@yahoo.com

چهارمین شماره

سال

سیزدهم،

شماره

پنجاه و دوم،

زمستان ۱۴۰۲



درآمد

در قرن چهارم هجری حمدانیان به رهبری ناصرالدوله حمدانی (حک. ۳۵۳-۳۲۳) در دیار ربیع به مرکزیت موصل حکمرانی داشتند. سیاست آل بویه نسبت به حمدانیان موصل از آغاز تشکیل دولت در بغداد خصمانه بود. معزالدوله (حک. ۳۵۶-۳۳۴) که بر بغداد غلبه یافت و قدرت سیاسی خلافت را در اختیار گرفت و امیرالامراء جدید بغداد به شمار می‌رفت، در صدد برآمد تا ولایت‌های اطراف بغداد و از جمله سرزمین جزیره را زیر نفوذ خود درآورد. ناصرالدوله حمدانی نیز در تلاش بود تا از قدرت مرکزی اعلام استقلال کند و تسلط خود را بر سرتاسر جزیره حفظ کند. از این‌رو نبرد بین طرفین آغاز شد و بخش اعظمی از سال‌های حاکمیت هر دو حاکم را به خود اختصاص داد. مشخصه مهم روابط آل بویه و حمدانیان در عهد حکومتداری معزالدوله نبردهایی است که بارها بین این دو خاندان رقیب رخ داد و در نهایت در اغلب موارد با بستن عهدنامه صلح بین طرفین پایان یافت. در عهد امارت عزالدوله بختیار نیز گرچه اغلب روابط آل بویه و حمدانیان به رهبری ابوتغلب حمدانی دوستانه بود و عزالدوله سیاست صلح‌آمیزی را نسبت به آنان در پیش گرفت اما در برهه‌ای از زمان حمله‌ای از سوی عزالدوله به سرزمین موصل صورت گرفت و جنگ آغاز شد. به‌رغم این جنگ‌ها و زدوخوردهای نظامی، خاندان حمدانی در موصل قدرت را در اختیار داشتند تا اینکه عضدالدوله در سال ۳۶۷ به قلمرو حمدانیان هجوم برد و سراسر جزیره را به قلمرو خود افزود (مسکویه، ۴۶۲/۶-۴۶۰).

این مقاله بر مبنای روش توصیفی-تحلیلی و استناد به شیوه مطالعه کتابخانه‌ای انجام شده تا تأثیر جغرافیایی سرزمین جزیره در ایجاد سیاست دوگانه (خصمانه و دوستانه) آل بویه در برقراری روابط با حمدانیان در دوره حکمرانی معزالدوله و عزالدوله را بررسی کند. در واقع این پژوهش در پی پاسخگویی به این سؤال است که جغرافیای سرزمین جزیره چه تأثیری در شکل‌گیری سیاست دوگانه آل بویه عراق در برقراری روابط و مناسبات با حمدانیان در طی سال‌های ۳۳۴-۳۶۷ داشته است؟

فرضیه پژوهش چنین است که سیاست خصمانه آل بویه در مناسبات و روابطشان

با حمدانیان موصل ریشه در جغرافیای اقتصادی این سرزمین داشت. زیرا تنوع بسیار محصولات کشاورزی و دامی در جزیره از یک سو در نظام مالیات‌گیری امرای بویهی به سبب برخورداری از میزان مالیات بالا از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود و از سویی دیگر به عنوان منبعی مهم برای برآوردن و تأمین آذوقه و خواروبار مورد نیاز عراق به شمار می‌رفت. بنابراین به‌ویژه در آغاز ورود آل‌بویه به بغداد که معزالدوله با مشکلات عدیده مالی، قحطی و گرانی مواجه شد، منبعی مهم در جهت رفع این مشکلات بود و چون حمدانیان در صدد اعلام استقلال از بغداد بودند، حاکمان بویهی به‌منظور دستیابی به این مطالبات با حمدانیان به جنگ پرداختند و به موصل و دیار ربیعه حمله‌ور شدند. با این وضع عامل معزالدوله به‌رغم پیروزی‌های متعدد بر حمدانیان، به سبب وضع راهبردی جغرافیای جزیره تصمیم گرفت تا با آنان سیاست دوستانه برقرار کند و خاندان حمدانی را در جزیره ابقا کند. این سرزمین از دو جهت با امپراتوری روم شرقی مرز مشترک داشت؛ از این‌رو از نظر نظامی و سیاسی و به‌منظور دفاع از قلمرو اسلامی و به‌ویژه بغداد، منطقه‌ای راهبردی به‌شمار می‌رفت. جزیره از سویی دیگر نیز با سرزمین شام هم‌مرز بود. در نتیجه این سرزمین علاوه بر اینکه دژی مستحکم در برابر امپراتوری روم محسوب می‌شد، سپر دفاعی مقابل حاکمان شام و مانعی برای ورود اخشیدیان و فاطمیان به بغداد و قلمرو خلافت بود.

پیشینه پژوهش

در مورد سرزمین جزیره به‌ویژه در دوره حمدانیان و آل‌بویه به‌صورت مستقل و مجزا تحقیق و پژوهش خاصی صورت نگرفته است؛ اما پژوهش‌ها و تألیفات چندی در مورد تاریخ حمدانیان موصل تألیف شده است که عبارتند از *تاریخ فاطمیان و حمدانیان* نوشته چلونگر (۱۳۹۰ش)، مقاله «روابط آل‌بویه و حمدانیان» نوشته وثوقی مطلق (۱۳۸۵ش) و *پیشگامان حکومت‌های شیعی معزی* (۱۳۹۰ش). در این آثار نویسندگان پس از بیان شکل‌گیری حمدانیان موصل به ذکر درگیری بین آل‌بویه و حمدانیان، از آغاز ورود معزالدوله به بغداد تا تسلط عضدالدوله بر سراسر جزیره پرداخته‌اند. در



کتابی دیگر تحت عنوان *دولت حمدانیان* تألیف سامر (۱۳۸۰ش)، نویسنده در آغاز کتاب به شرح جغرافیای سرزمین جزییره (بین النهرین غلیا)، دیار ربیعه و موصل پرداخته و سپس موضوع نبردها و جنگ‌های صورت گرفته بین دو خاندان بویه و حمدانی را از آغاز تا پایان سقوط حکومت حمدانی بررسی کرده است.

موقعیت جغرافیایی جزییره و شهرهای آن

جزیره به سرزمینی اطلاق می‌شد که مابین دو رود دجله و فرات (ابن‌حوقل، ۲۰۸/۱) و در شمال بین‌النهرین قرار گرفته بود. بنا به گفته اصطخری (۷۵) بر سواحل شرقی رود دجله و ساحل غربی رود فرات، شهرها و روستاهایی قرار دارد که به نام سرزمین جزییره از آن یاد می‌شود. مقدسی (۱۹۴/۱) از جزییره به نام سرزمین اقور نام می‌برد. اقور یا اثور نام پیشین موصل بود (یاقوت حموی، ۹۲/۱) و مقدسی آن را برای سراسر جزییره به‌کار برده است. این سرزمین از ساحل رود فرات شامل أنبار تا سُمیسط می‌شد و از ساحل دجله، تکریت تا سرزمین آمد را در برمی‌گرفت (اصطخری، ۷۵؛ حافظ ابرو، ۲۱/۲). جزییره از آمد به سمت مغرب می‌پیچد و تا حدود ارمنیه، بلاد روم و در نهایت سرچشمه فرات امتداد می‌یابد (اصطخری، ۷۵؛ ابوالفداء، ۳۰۲). موصل مرکز حکومتی حاکمان جزییره به‌شمار می‌رفت (مقدسی، ۱۹۴/۱؛ مستوفی، ۱۲۰).

مقدسی (۱۹۲/۱) اقلیم جزییره را شامل سه منطقه دیار ربیعه، دیار مُضَر و دیار بَکر می‌داند و نخستین آنها از سمت عراق را دیار ربیعه و سپس دیار مضر و سپس دیار بکر ذکر می‌کند. اما مورخینی چون ابن حوقل (۲۰۸/۱) و ابن فقیه (۱۷۶-۱۸۲) دیار بَکر را جزو جزییره به‌حساب نمی‌آورند و تنها قسمت‌هایی از دیار بَکر را شامل جزییره می‌دانند. اصطخری (۷۵) نیز جزییره را تنها شامل دیار ربیعه و دیار مضر می‌داند. موصل مرکز دیار ربیعه، رَقّه مرکز دیار مُضَر و آمد مرکز دیار بَکر بود (مقدسی، ۱۹۳/۱-۱۹۲). حدود این دیارهای سه‌گانه را فاصله‌ها و مرزهای آبی تعیین می‌کرد (لسترنج، ۹۲). دیار بَکر از دجله مشروب می‌شد، دیار مُضَر در شرق فرات واقع شده بود (یاقوت حموی، ۴۲۲/۲، ۴۹۴) و دیار ربیعه نیز از دجله و رودهای منشعب از آن سیراب می‌گشت.

جغرافیای اقتصادی جزیره

سرزمین جزیره به سبب موقعیت جغرافیایی خود از لحاظ اقتصادی، منطقه‌ای بسیار حاصلخیز و ثروتمند بود. زیرا به دلیل واقع شدن بین دجله و فرات و رودهایی چون خابور از آب فراوانی بهره می‌برد. خابور نهری است که از چشمه‌ها فراهم می‌آمد و به فرات می‌ریخت (مقدسی، ۲۰۳/۱). علاوه بر این جزیره سالانه از میزان بارندگی زیاد برخوردار بود (سامر، ۷۶)؛ از این رو در اثر برخورداری از آب فراوان غالب اراضی و روستاهای جزیره به لحاظ کشاورزی و زراعت، باغ‌ها، تولید محصولات زراعی و خوراکی و درختان میوه بسیار متنوع و بارور بودند. به طور کلی در نتیجه فراوانی آب و بارندگی بسیار، کشاورزان در شهرهای جزیره چون بَکد، دارا و نصیبین به صورت دیم، کشت می‌کردند (اصطخری، ۷۷-۷۶).

سَنجار زراعت و بستان‌های بسیار داشت که از آنان محصولات چرم، نارنج و ترنج، زیتون، انجیر و انگور برداشت می‌شد؛ طوری که گفته شده است در هیچ جای سرزمین جزیره جز سَنجار خرما یافت نمی‌شد (جیهانی، ۹۲؛ اصطخری، ۷۷). نصیبین که خرم‌ترین شهر از شهرهای جزیره بود (حدود العالم، ۱۵۵) به دارا بودن مزارع و کشاورزی بسیار، به بوستان‌ها و درختان میوه‌دار، انواع برنج، گندم، تاکستان و نیز مراتع و چراگاه‌های پر بار مشهور بود (ابن حوقل، ۲۱۱/۱). دارا شهری با درختان و کشاورزی بسیار و محصولات و فراورده‌های متنوع بود؛ به طوری که خوردنی و نوشیدنی در آن شهر تقریباً مجانی بود (جیهانی، ۹۲؛ ابن حوقل، ۲۲۱/۱). تکریت که در میان موصل و بغداد قرار داشت (یاقوت حموی، ۳۸/۲)، مرکز تولید کنجد به شمار می‌رفت (مقدسی، ۱۷۰/۱). در موصل کوهی بود که به دلیل فراوانی درختانش به آن شعران می‌گفتند (ابن فقیه، ۱۷۹). شعران به سبب فراوانی درختانی چون تاک و گلابی رنگ سیاه و کبودی داشت. در موصل به ویژه در عصر بنی حمدان که مقر حکومتی آنان بود، باغ‌های فراوان و درختان میوه چون انگور و خرما کاشته شد و زراعت و کشاورزی رونق یافت (ابن حوقل، ۲۱۵/۱). آرزن شهری آباد بود که محصولات فراوانی چون غلات و پنبه در آن کشت می‌شد (ناصر خسرو، ۱۱). در جزیره گیاهان صنعتی و مقدم بر همه، پنبه که

در صنعت نساجی و پارچه بافی به کار می‌رفت، کاشته می‌شد (سامر، ۱۱۲). در راس‌العین که باغداری و کشاورزی بسیار داشت، بیش از همه چیز، پنبه کشت می‌شد (اصطخری، ۷۷). در حران نیز پنبه نیکو برداشت می‌شد (مقدسی، ۱۹۹/۱). جزیره همچنین به دلیل پرورش و نگه‌داری حیواناتی چون گاو، گوسفند، شتر و اسب (اصطخری، ۷۹) دارای محصولات دامی فراوان بود. چنان‌که موصل گوشت مرغوب داشت؛ علاوه بر این به سبب فراوانی پوست حیوانات در شهرهای جزیره مثل سنجار، کفشگران بسیاری مشغول به کار بودند (مقدسی، ۱۹۴/۱، ۱۹۶).

فراوانی و تنوع محصولات زراعی و باغی سبب ارزانی قیمت‌ها شده بود. ابن حوقل (۲۱۱/۱) در این باره می‌نویسد که در بیشتر شهرها و آبادی‌های جزیره، غلات، حبوبات و میوه ارزان بود (نیز نک. مقدسی، ۱۹۹/۱، ۱۹۸، ۱۹۶). فراوانی و ارزانی محصولات کشاورزی و دامی در جزیره موجب کشمکش‌های سیاسی نیروهای آن روزگار بر سر تصرف و تملک آن سرزمین شده بود (سامر، ۱۱۴).

جغرافیای سیاسی جزیره

جنوب جزیره به عراق، شمال و شرق آن به سرزمین ارمنیه و امپراتوری روم و غرب آن به شام متصل بود (ابن حوقل، ۲۰۸/۱؛ ابوالفداء، ۳۰۲). رقه، کرسی دیار مضر، هم‌مرز با شام بود (مقدسی، ۱۹۸/۱). سرزمین ارمنیه که می‌توانست زمینه حمله به جزیره را از سمت شمال و مغرب فراهم کند، در آن زمان تحت سلطه و تابعیت امپراتوری روم شرقی بود. حافظ ابرو (۱۹/۲) در رابطه با ارمنیه می‌نویسد که ولایت ارمنیه در پیش ولایت فرنگستان و به منزلت دهلیز آنجاست. این در حالی بود که آمد، به‌عنوان مرکزیت دیار بکر، در مجاورت سرزمین ارمنیه قرار داشت (همان، ۲۱/۲) و شهرهای میافارقین و ارزن متصل به ارمنیه بودند (قدامه بن جعفر، ۱۱۳). در این صورت جزیره در قرن چهارم هجری در معرض حملات مستمر روم قرار داشت (ابن حوقل، ۲۱۲/۱).

روابط و مناسبات آل بویه و حمدانیان موصل (۳۳۴-۳۶۷)

از زمانی که معزالدوله وارد بغداد شد تا سال ۳۶۷ که عضدالدوله بر بغداد غلبه کرد و

دیار ربیعه و موصل را ضمیمه قلمرو خود کرد، مشخصه مهم روابط خاندان بویه و حمدانیان موصل، به ویژه در عهد حکومتداری معزالدوله نبردهایی است که بارها بین این دو خاندان رخ داد و در نهایت در اغلب موارد با بستن عهدنامه صلح بین طرفین پایان پذیرفت.

با تلاش ناصرالدوله حمدانی برای حفظ استقلال سرزمین خود، کشمکش و زدو خورد بین معزالدوله و حمدانیان با لشکرکشی معزالدوله در سال ۳۳۴ به موصل آغاز شد (ابن جوزی، ۴۷/۱۴). ناصرالدوله زمانی که از قطعیت تسلط خاندان بویه بر بغداد و خلافت اطمینان یافت، طی ارسال نامه‌ای به معزالدوله در سال ۳۳۵ خواستار برقراری آشتی و بستن پیمان صلح بین طرفین شد (مسکویه، ۱۴۵/۶). اما برخلاف معاهده صلح، کشمکش و نبرد بین این دو خاندان همچنان تا سال ۳۵۳ ادامه یافت که در ادامه مختصراً به این نبردها اشاره می‌شود: حمله معزالدوله در سال ۳۳۷ به موصل که با بستن عهدنامه صلح پایان یافت (همان، ۱۵۲/۶)؛ معزالدوله مجدداً در سال ۳۴۷ برای جنگ با ناصرالدوله حمدانی به سوی موصل حرکت کرد (ابن اثیر، ۲۴۰/۲۰-۲۳۹)؛ معزالدوله در نهایت در سال ۳۵۳ به موصل لشکر کشید؛ در آن سال نیز پیمانی بین ناصرالدوله و معزالدوله بسته شد که طبق آن ناصرالدوله می‌بایست برای سال قبل یک میلیون درهم و برای سال‌های ۳۵۳ و ۳۵۴ دو میلیون درهم پرداخت کند. اما ناصرالدوله این بار نیز خلف وعده کرد و از ارسال خراج امتناع ورزید (مسکویه، ۲۵۵/۶). در نتیجه جنگ بین طرفین آغاز شد که منتهی به برکناری ناصرالدوله از حکومت و واگذاری قدرت به فرزندش ابوتغلب شد.

در آغاز حکومت عزالدوله بختیار وحدت حمدانیان از بین رفت و فرزندان ناصرالدوله درگیر جنگ و نزاع داخلی شدند؛ از این رو ابوتغلب خود را نیازمند مدارا با دولت مرکزی بغداد دید. ابوتغلب به بختیار نزدیک شد و قراردادی مبنی بر پرداخت یک میلیون و دویست هزار درهم با او منعقد کرد (ابن اثیر، ۲۹۲/۲۰). عزالدوله بختیار در آن زمان نسبت به حمدانیان سیاستی دوستانه برگزید و در تلاش بود تا اختلافات و تنش‌های به وجود آمده در بین فرزندان ناصرالدوله یعنی حمدان و ابوتغلب را از میان

بردارد (مسکویه، ۳۱۲/۶).

برخلاف روابط دوستانه بختیار و ابوتغلب حمدانی، بختیار در سال ۳۶۳ به موصل لشکر کشید. ابوتغلب حمدانی نیز همانند پدرش فرصت را غنیمت شمرد و چون بغداد را از خلیفه و سلطان بویهی خالی یافت با سپاهیان خود رهسپار بغداد شد. ابوتغلب وارد بغداد شد و در آنجا اقامت گزید. بختیار که از این امر آگاهی یافت ناگزیر با حمدانیان صلح کرد (ابن اثیر، ۴۴/۲۱).

برخلاف حمله بختیار به موصل، زمانی که او با شورش ترکان مواجه شده بود و در واسط در محاصره آنان قرار گرفته بود، دوباره دست دوستی به سمت ابوتغلب حمدانی دراز کرد و تقاضا کرد تا در برابر شورش ترکان، او را یاری و مساعدت کند. ابوتغلب تقاضای بختیار را پذیرفت و به منظور یاری او، سپاهی را روانه بغداد کرد (مسکویه، ۳۹۶/۶). در نهایت هنگامی که عضدالدوله آهنگ فتح بغداد کرد، عزالدوله بختیار که وخامت اوضاع را دید و یارای مقابله با عضدالدوله را نداشت از ابوتغلب حمدانی تقاضای کمک و یاری کرد. ابوتغلب نیز بنا به شرایطی درخواست بختیار را پذیرفت (همان، ۴۴۹/۶-۴۴۸)؛ اما نیروهای متحد عزالدوله و حمدانیان شکست خوردند. با پیروزی عضدالدوله بر عزالدوله بختیار در سال ۳۶۷ عضدالدوله وارد موصل شد و به ترتیب دیار ربیع، میافارقین، آمد، و دیار مضر و به عبارتی سراسر جزیره را گرفت و به قلمرو آل بویه افزود (ابن اثیر، ۱۰۷/۲۱).

جغرافیای اقتصادی و سیاست خصمانه

معزالدوله در سال ۳۳۴ بلافاصله پس از ورود به بغداد و تسلط بر خلافت عباسی سیاست تهاجمی خود را نسبت به حمدانیان آغاز کرد و به آنان حمله برد. به عبارتی سیاست معزالدوله در بدو ورود به بغداد نسبت به خاندان حمدانی موصل خصمانه بود. عامل کلیدی در شکل گیری این سیاست خصمانه جغرافیای اقتصادی جزیره بود. جزیره معاصر با سلسله آل بویه در عراق، از ثروتمندترین و توانمندترین سرزمین های اسلامی به شمار می رفت. این سرزمین یک منبع مالی ثروتمند و قابل توجه برای آمال و اهداف

حاکمان بویهی و حکومت مرکزی بغداد محسوب می‌شد و نقش عمده‌ای در رفع مشکلات مالی آنان داشت؛ به‌خصوص زمانی که سلاطین دچار بحران مالی چون قحطی و گرانی بودند، بر ارزش این سرزمین افزوده می‌شد. این امر در حالی بود که خاندان حمدانی موصول در تلاش برای اعلام استقلال از بغداد و عدم پرداخت مالیات به بغداد بودند. در ادامه به مطالبات و نیازمندی‌های اقتصادی آل بویه اشاره می‌شود و سپس تأثیر هر کدام از این مطالبات در شکل‌گیری سیاست آل بویه نسبت به حمدانیان بررسی می‌شود. نیاز اقتصادی و مالی آل بویه به جزیره عبارت بود از:

الف) تأمین مواد غذایی، آذوقه و خواروبار مورد نیاز مردم بغداد و علوفه چارپایان: شرایط مناسب کشاورزی و زراعت در کاشت انواع برنج، گندم، جو، حبوبات و وجود باغستان‌ها و درختان میوه در جزیره سبب شده بود که این سرزمین بیشتر آذوقه عراق را تأمین کند (مقدسی، ۱۹۱/۱). موصول سلطان‌نشین جزیره (ابن‌حوقل، ۲۱۵/۱) و منبع تأمین خواروبار بغداد به حساب می‌آمد (مقدسی، ۱۹۴/۱). موصول مواد غذایی بغداد را در هر چهار فصل سال تأمین می‌کرد (دیوه‌جی، ۶). بنا به گفته اصطخری (۷۹) انبار نیز شهری آباد با نخل و کشاورزی و نعمت فراوان بود و حوائج بسیاری از آن شهر به سوی بغداد می‌رسید. محصولات زمستانی و تابستانی سنجار از زیتون، ترنج، گردو، بادام، سماق، کنجد، انار و خرما به سمت عراق فرستاده می‌شد (ابن‌حوقل، ۲۲۰/۱). شهرهای رقه، بلد و حدیثه آرد عراق را تأمین می‌کردند. ابن‌حوقل (۲۱۹/۱) در این باره می‌نویسد در شهر بلد که غلات فراوان داشت آسیاب‌هایی بود که آرد عراق را تأمین می‌کرد. از جزیره ابن‌عمر، با کشتی نمک به عراق می‌بردند (قدامه‌بن‌جعفر، ۱۷۶). قرقیسا نیز دارای بستان‌ها و درختان فراوان بود و میوه‌هایش به سمت عراق فرستاده می‌شد (ابن‌حوقل، ۲۲۷/۱).

جزیره در تأمین مواد غذایی و آذوقه بغداد، آنچنان اهمیت داشت که در صورت ممانعت حمدانیان، از فرستادن محصولات زراعی و دامی و علوفه به بغداد، مردم بغداد دچار گرانی و قحطی و کمبود آذوقه می‌شدند. از جمله اینکه در سال ۳۳۴ هجری قمری بین خاندان بویه و حمدانیان، ناصرالدوله و لشکریانش از ارسال محصولات گردآوری

شده در موصل، به سمت بغداد ممانعت به عمل آوردند. در نتیجه چون معزالدوله توان به دست آوردن علوفه و خواربار مردم بغداد را نداشت، او و لشکریانش دچار قحطی شدند و در مضیقه افتادند. قحطی پیش آمده در بغداد، منجر به گرانی و افزایش بیش از حد قیمت‌ها شد؛ چنان‌که بهای نان چندین برابر افزایش یافت. زیرا جزیره منبع اصلی تأمین آرد بغداد بود و چون ناصرالدوله از ارسال آرد به بغداد جلوگیری کرد، مقدار آرد کاهش یافت. به دلیل کاهش مقدار آرد، معزالدوله ناگزیر بود که آرد مورد نیاز را با قیمتی چندین برابر خریداری کند. افزایش قیمت آرد نیز، بهای بالای نان را به دنبال داشت (مسکویه، ۱۲۶/۶-۱۲۵؛ ابن‌اثیر، ۱۷۱/۲۰). از این‌رو معزالدوله زمانی که با قحطی و گرانی روبه‌رو شد طی یک معاهده صلح در سال ۳۳۵ از ناصرالدوله حمدانی خواست که آذوقه و مواد غذایی بغداد را بدون گرفتن مالیات، تأمین کند (مسکویه، ۱۴۵/۶). معزالدوله که از فراوانی محصولات و خواروبار در شهرهای جزیره، آگاهی داشت و می‌دانست که بخش اعظم تهیه آذوقه و خواروبار و حتی علوفه چارپایان بر عهده موصل و جزیره است، در پیمان‌نامه‌ها و عهدنامه‌های صلح با حمدانیان، بر آنان تحمیل کرد تا مواد غذایی مورد نیاز مردم بغداد و چارپایان را تأمین کنند.

اهمیت جغرافیای اقتصادی سرزمین جزیره در تأمین آذوقه و خواروبار مورد نیاز مردم بغداد در زمان امارت و حاکمیت عزالدوله بختیار زمانی چنان بود که وی در سال ۳۶۱ برای نبرد با امپراتوری روم شرقی که به قلمرو مسلمانان هجوم آورده بودند، به ابوتغلب حمدانی نامه نوشت و تقاضا کرد که خواربار و علوفه مورد نیاز را برای سپاهیان فراهم کند (ابن‌اثیر، ۳۰/۲۱). به‌علاوه اینکه عزالدوله بختیار در سال ۳۶۳ به‌منظور به‌دست آوردن مال فراوان و گردآوری علوفه چارپایان و آذوقه مردم بغداد به موصل لشکر کشید و به نبرد با حمدانیان پرداخت (مسکویه، ۳۷۸/۶).

آگاهی حمدانیان موصل از نقش سرزمین جزیره در تأمین آذوقه و علوفه مورد نیاز مردم بغداد، سبب شد آنان نیز از این فرصت بهره فراوان ببرند. برای مثال مواقعی که حمدانیان در پی راضی کردن و جلب حمایت سلاطین بویهی بودند فرصت را مغتنم می‌شمردند و به آنان وعده تأمین آذوقه، علوفه و مواد غذایی می‌دادند. چنان‌که بنا به

گفته مسکویه (۴۴۹/۶)، ابوتغلب زمانی که با شورش برادرش حمدان مواجه شد برای اینکه عزالدوله بختیار را راضی کند تا برادرش حمدان را به موصل تسلیم کند، برای او اندکی پیشکش، علوفه و خواربار به بغداد فرستاد.

ب) خراج اراضی و مالیات: جزیره سالانه مالیات بسیاری را به دستگاه حاکمان بویهی و خلافت پرداخت می کرد؛ چنانکه ابن حوقل (۲۲۴/۱) می نویسد دنیسر شهری بود که خراج و مقاطعه بالا داشت. جزیره اقلیمی بود که مردمش به سبب حاصلخیز بودن آن در رفاه بودند و برای سلطان آن سرزمین خراج و مالیات زیادی داشت (همان، ۲۰۹/۱). ابن حوقل که در سال ۳۵۸ در مجلس برآورد مالیات نصیین در زمان ابوتغلب در موصل حضور داشت، می نویسد که از گندم، جو، برنج و حبوبات ۵۰۰۰ درهم، سرانه اهل ذمه ۵۰۰۰ دینار، عوارض شراب ۵۰۰۰ دینار، مالیات گاو، گوسفند و تره بار و میوه ۵۰۰۰ دینار، مالیات مستغلات و املاک ۱۶۰۰۰ دینار، برآورد محصول حبوبات روستای ابنین ۱۰۰۰۰۰۰ درهم، شیره نوشیدنی ها و سرانه آدم ها و آسیاب ها ۳۰۰۰۰ دینار خراج و مالیات دریافت می شد. وی درباره تعیین مقاطعه سال موصل می نویسد که مالیات آسیاب ها و جزیره جمعاً ۳۰۰۰۰ دینار، مالیات حاصل از گندم و جو غیر از نینوا و مرج ۶۰۰۰ هزار گر به قیمت ۳۰۰۰۰۰۰ درهم، حبوبات دیگر سیصد گر به قیمت ۱۰۰۰۰ دینار، مهاجرنشین ها و زمین و چراگاه ها و دیگر مستغلات ۱۰۰۰۰ دینار، برقعید دو هزار دینار یا ۳۰۰۰۰۰ درهم، مالیات بازبیدی از گندم و جو دو هزار گر معادل ۱۰۰۰۰۰۰ درهم. ابن حوقل تضمین مالیات موصل و نواحی اطراف آن را جمعاً شانزده میلیون و دویست و نود هزار درهم برآورد کرده است (همان، ۲۱۴/۱، ۲۱۸-۲۱۷).

سرزمین جزیره که به سبب فراوانی محصولات کشاورزی و دامی از خراج و مالیات بالایی برخوردار بود یکی از منابع مالی بسیار مهم در سیستم مالیات گیری آل بویه و یکی از مهم ترین منابع درآمدی آنان محسوب می شد؛ از این رو کارکرد اقتصادی جزیره عامل اصلی شکل گیری روابط خصمانه معزالدوله و ناصرالدوله حمدانی بود. گرچه در منابع قرن چهارم هجری چون تجارب الامم که مهم ترین منبع جهت بررسی تاریخ آل بویه و روابطشان با حکومت های همجوار به شمار می رود، اشاره ای به دلیل حمله

معزالدوله یک ماه پس از ورودش به بغداد در سال ۳۳۴ نشده است؛ اما با توجه به اینکه در سال‌های قبل از ورود آل بویه به بغداد و دوران خلافت متقی (حک. ۳۳۳-۳۲۹)، ناصرالدوله در سال ۳۲۶ از فرستادن خراج و مالیات جلوگیری کرده بود (مسکویه، ۹/۶) و همچنین با توجه به سابقه او در عدم پرداخت مالیات به بغداد در طی سال‌های حکومت معزالدوله، باید گفت که چون ناصرالدوله حمدانی از پرداخت مالیات موصل به حکومت مرکزی بغداد ممانعت به عمل آورده بود، سبب شده بود تا معزالدوله یک ماه پس از ورودش به بغداد به موصل حمله ور شود.

معزالدوله که از سال ۳۳۴ به قدرت رسید تا سال ۳۵۶ که از دنیا رفت، چهار بار به قلمرو حمدانیان حمله کرد. در منابع مربوط به آل بویه دو بار اشاره شده که معزالدوله به سبب جلوگیری ناصرالدوله از پرداخت خراج و مالیات به بغداد به موصل حمله کرده است. نخستین بار مسکویه (۲۱۶/۶) ذیل وقایع مربوط به سال ۳۴۷ بیان می‌کند که به سبب اینکه حمدانیان مالیات سال قبل را پرداخت نکرده بودند حمله معزالدوله به قلمرو حمدانیان در این سال صورت گرفت. دومین بار ذیل وقایع مربوط به سال ۳۴۸ و گزارش مربوط به تسلط معزالدوله بر دیار ربیعه و دیار مضر بیان می‌کند که معزالدوله به دلایلی از جمله تنگدستی مالی و به تعویق افتادن مالیات‌ها (همان، ۲۲۱/۶) به موصل لشکر کشید. عزالدوله بختیار زمانی که با مشکلات مالی و قحطی مواجه شد در سال ۳۶۳ به موصل لشکر کشید. مسکویه (۳۷۸/۶) ضمن اینکه بیان می‌کند در آن سال بختیار به امید به دست آوردن مالیات موصل راهی آنجا شد، ذکر می‌کند که ابوالفضل وزیر بختیار نیز او را تشویق می‌کرد تا به منظور به دست آوردن علوفه چارپایان و آذوقه بغداد به موصل لشکرکشی کند. در واقع بختیار در تلاش بود از این طریق بحران مالی بغداد را حل کند (فرای و دیگران، ۲۳۰/۴).

جغرافیای سیاسی و سیاست دوستانه

با توجه به جغرافیای سیاسی جزیره که از دو جهت شمال و شرق به امپراتوری روم متصل بود و از طرف غرب نیز به شام پیوسته بود، این سرزمین از نظر نظامی و سیاسی

برای دفاع از قلمرو اسلامی و جلوگیری از ورود بیگانگان، منطقه‌ای راهبردی و ارزشمند برای امیران بویهی بود. اهمیت مناطق جزیره در دفاع از مرزهای اسلام در دوره اول عباسی مشهود است. چنان‌که هارون الرشید (۱۹۳-۱۷۰) از آغاز خلافتش بر سنگربندی مناطق مرزی مجاور سرزمین روم و تقویت سپاه عباسی مرزبان در آنجا همت گماشت. او برای مناطق مرزی دو سازمان درست کرد: سازمان پیش‌رو شامل ثغور جزیره و شام که به رویارویی با گذرگاه‌های کوهستانی اختصاص داشت و عواصم یا سازمان پشتی که وظیفه آن پشتیبانی از مناطق ثغور و کمک رسانی به وسیله ساز و برگ جنگی نیروی نظامی و خواروبار بود (طقوش، ۹۸).

زمانی‌که خلیفه مقتدر (۳۲۰-۲۹۵)، در سال ۳۱۹ ابن حمدان را به والی‌گری موصل و دیار ربیعہ انتخاب کرد، در عوض واگذاری آن ایالت با او شرط کرده بود که ابن حمدان به جنگ و غزای امپراتوری روم اقدام کند و ملطیه را از روم پس بگیرد؛ زیرا اهل آن جزیره تسلیم رومیان شده و کلید درهای شهر را به رومیان داده بودند (ابن اثیر، ۲۶۳/۱۹).

نامه‌هایی به عزالدوله بختیار در سال ۳۶۱ رسید که امپراتور روم شرقی بر نصیبین یورش آورده، دست به کشتار مردان زده و زنان و کودکان را اسیر کرده است. گروهی از مردم دیار ربیعہ و دیاربکر که سرزمین خود را در معرض هجوم رومیان می‌دیدند به بغداد آمدند و مردم را برای مقابله با رومیان بسیج کردند. این جماعت برای تشویق بغدادیان برای مقابله با رومیان به آنها می‌گفتند که سرزمین ما (جزیره) به عراق پیوسته است و در این صورت راه رومیان برای تصرف عراق نیز باز است (مسکویه، ۳۶۵/۶). این امر به‌خوبی بیانگر موقعیت راهبردی جزیره در دفاع از عراق است. به‌علاوه اینکه در شمال سرزمین جزیره و در مرز امپراتوری روم، کوه‌ها و تپه‌هایی که به لحاظ استحکامات نظامی اهمیت داشت، مشهود بود. بسیاری از شهرهای این منطقه بر بلندی ساخته شده بود و به شیوه قرون وسطی دارای قلعه و دژ بود که در برابر دشمن بتواند بایستد. حتی بیشتر اسامی این شهرها مثل حصن کیفا، تل فاقان و حصن عرفه با کلمه حصن و تل همراه است (سامر، ۷۵).

جزیره با شام نیز مرز مشترک داشت. سرزمین شام در آغاز شکل‌گیری آل بویه در عراق، در اختیار اخشیدیان قرار داشت و پس از آنان نیز، فاطمیان آنجا را تصرف کردند و بر آن غلبه یافتند. در نتیجه باید گفت جزیره علاوه بر اینکه به عنوان دژ مستحکم در برابر حملات امپراتوری روم شرقی محسوب می‌شد، سپر دفاعی مقابل شام و مانعی برای ورود اخشیدیان و سپس فاطمیان به بغداد و قلمرو خلافت اسلامی نیز به شمار می‌رفت. به همین رو معزالدوله به منظور مقاومت در برابر اخشیدیان و فاطمیان، طی قرارداد صلح با ناصرالدوله حمدانی، دفاع از نواحی غربی قلمرو اسلامی و عراق را به حمدانیان واگذار کرد و قلمرو آنان را به سمت مصر و شام گسترش داد که در دست اخشیدیان و فاطمیان بود (مسکویه، ۱۴۵/۶). طبق این قرارداد، معزالدوله قلمرو حمدانیان را به سمت شام و مصر گسترش داد؛ زیرا قدرت‌هایی که از سمت غرب آرزوی تسلط بر بغداد و قلمرو خلافت اسلامی را در سر داشتند و رقیب حاکمان و خلفای بغداد بودند، به سبب موقعیت جغرافیایی جزیره ناگزیر به غلبه بر این منطقه بودند.

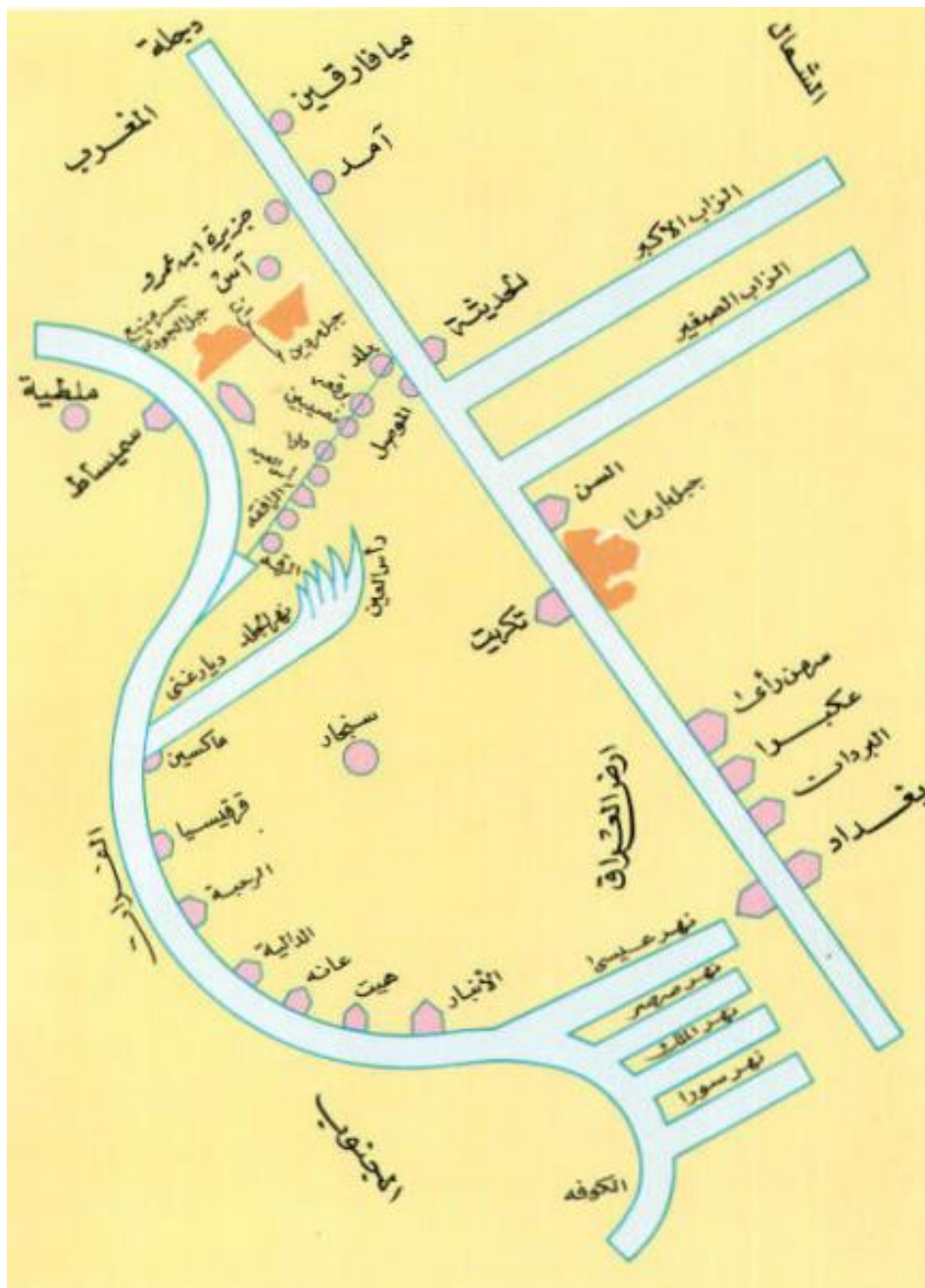
خاندان بویه برای تسلط بر قلمرو میان مصر و بین‌النهرین با فاطمیان به رقابت پرداختند. در عهد عضدالدوله مرز غربی حکومت آل بویه را به هنگام بیشترین توسعه آن، مرز قلمرو فاطمیان تشکیل می‌داد (کرمر، ۱۳۶)؛ در حالی که دولت فاطمیان روابط خوبی با حمدانیان و آل بویه نداشتند.

با توجه به نبردهای بین معزالدوله و ناصرالدوله حمدانی باید گفت اهمیت حمدانیان در سرزمین جزیره در حفظ سرحدات اسلامی مجاور روم شرقی (ثغور) و نیز حفظ امنیت داخلی قلمرو خلافت و حکومت آل بویه، از دست‌اندازی قبایل کرد و عرب نواحی جزیره، چون خوارج و قرامطه (سامر، ۳۰۹)، عباسیان و آل بویه را به مدارا با آنان وامی‌داشت؛ به‌ویژه با توجه به اینکه آل بویه در بغداد با مشکلات فراوانی روبه‌رو بودند که مهم‌ترین آن درگیری سنتی میان ترک و دیلم بود. در واقع عامل اصلی در تصمیم‌گیری معزالدوله مبنی بر ابقای خاندان حمدانی در جزیره به‌رغم پیروزی‌های پی در پی علیه حمدانیان و عهدشکنی‌های مداوم ناصرالدوله حمدانی، جغرافیای سیاسی جزیره بود.

نتیجه

وضع جغرافیایی سرزمین‌ها در ساختار و روابط حکومت‌ها اهمیت بسیاری دارد؛ چنانچه سرزمین جزیره به سبب موقعیت جغرافیایی خود از دو جهت اقتصادی و سیاسی در حکومت آل بویه عراق حائز اهمیت بود. جغرافیای اقتصادی جزیره در رویارویی و تقابل و رقابت امرای بویهی و حمدانیان و شکل‌گیری سیاست خصمانه آل بویه در روابط با حمدانیان تأثیر داشت. امیران بویهی از لحاظ اقتصادی و مالی نیاز شدیدی به جزیره داشتند و از یک سو به دنبال کسب مالیات جزیره بودند و از سویی دیگر در پی تأمین آذوقه، خواروبار و علوفه چارپایان بودند. حمدانیان نیز در پی اعلام استقلال و جدایی از بغداد و دستگاه خلافت بودند و از پرداخت مالیات به بغداد جلوگیری می‌کردند. برخلاف جغرافیای اقتصادی جزیره که زد و خورد بین آل بویه و حمدانیان را در پی داشت؛ جغرافیای سیاسی آن باعث تداوم قدرت حمدانیان به عنوان والیان موصل و سرزمین جزیره می‌شد. موقعیت جغرافیایی جزیره به دلیل پیوستگی به سرزمین ارمنیه و شام از یک سو حاکی از اهمیت سیاسی، نظامی و راهبردی جزیره برای دفاع در مقابل حملات فاطمیان و روم شرقی بود و از سویی دیگر سپر دفاعی مهمی برای جلوگیری از ورود حاکمان شام اعم از اخشیدیان و فاطمیان به بغداد و قلمرو خلافت اسلامی محسوب می‌شد.

سرزمین جزیره (اصطخری، ۷۵)



منابع

- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲.
- ابن فقیه، احمد بن محمد بن اسحاق، البلدان، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۶.
- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن، الکامل فی التاریخ، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، موسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۷۱ ش.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد بن حوقل، صوره الارض، بیروت، دار الصادر، ۱۹۳۸.
- ابوالفداء، اسماعیل بن علی، تاریخ ابی الفداء المسمی المختصر فی اخبار البشر، محقق محمود دیوب، بیروت، لبنان، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم، المسالك و الممالک، قاهره، الهیئه العامه لقصور الثقافه، [بی تا].
- جیهانی، ابوالقاسم بن احمد، اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، [بی جا]، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ ش.
- چلونگر، محمدعلی، تاریخ فاطمیان و حمدانیان، تهران، سمت با همکاری دانشگاه اصفهان، ۱۳۹۰ ش.
- حافظ ابرو، شمس الدین، جغرافیای حافظ آبرو، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۷۵ ش.
- حدود العالم من المشرق الى المغرب، به کوشش منوچهر ستوده، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۶۲ ش.
- دیوه جی، سعید، الموصل ام الربیعین، بغداد، مطبعه الحکومه، ۱۹۶۵.
- سامر، فیصل، دولت حمدانیان، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراکزلو، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰ ش.
- طقوش، محمد سهیل، دولت عباسیان، ترجمه حجت الله جودکی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴ ش.
- فرای، ریچارد نلسون و دیگران، تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا برآمدن سلجوقیان، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹ ش.
- قداده بن جعفر، الخراج و صناعه الکتابه، بغداد، دارالرشید للنشر، ۱۹۸۱.
- کرم، جونل، احیای فرهنگی در عهد آل بویه، ترجمه سعید حنایی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵ ش.
- لسترنج، گای، جغرافیای تاریخی سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۹۰ ش.
- مستوفی، حمدالله، نزه القلوب، تصحیح گای لسترنج، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲ ش.
- مسکویه، ابوعلی، تجارب الامم، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، توس، ۱۳۷۶ ش.
- معزی، مریم، پیشگامان حکومت های شیعی (تاریخ حمدانیان و فاطمیان)، تهران، سمت، ۱۳۹۰ ش.
- مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت مولفان و مترجمان، ۱۳۶۱ ش.
- ناصر خسرو، سفرنامه ناصر خسرو، تهران، زوار، ۱۳۸۱ ش.
- وثوقی مطلق، رجبعلی، «روابط آل بویه و حمدانیان»، پژوهشنامه تاریخ، ش ۵، زمستان، ۱۳۸۵، ص ۱۷۴-۱۵۳.
- یاقوت حموی، معجم البلدان، بیروت، دار الصادر، ۱۹۹۵.